

تحول سیاست خارجی آمریکا در آسیای شرقی در قرن بیست و یکم

مولفان:

دکتر محمد رضا دهشیری

(دانشیار روابط بین الملل و عضو هیات علمی دانشکده روابط بین الملل)

وزارت امور خارجه)

شاهین جوزانی کهن

کارشناس ارشد مسائل آسیا-اقیانوسیه (دانش آموخته دانشکده روابط بین الملل)

وزارت امور خارجه)

شاهین جوزانی کهن

کارشناس ارشد مسائل آسیا-اقیانوسیه (دانش آموخته دانشکده روابط بین الملل)

وزارت امور خارجه و پژوهشگر مهمان پژوهشکده مطالعات استراتژیک خاورمیانه

مرکز پژوهشی دای علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه وزارت امور خارجه)

سرشناسه	دهشیری، محمدرضا، ۱۳۴۳، Dehshiri, Mohammad Reza
عنوان و نام پدیدآور	تحول سیاست خارجی آمریکا در آسیای شرقی در قرن بیست و یکم / مؤلفان محمدرضا دهشیری، شایان جوزانی کهن، شاهین جوزانی کهن.
مشخصات نشر	تهران، سرو اندیشه، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۳۰۴ صفحه
شابک	978-600-94841-7-1
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	کتاب حاضر با همکاری انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی منتشر شده است.
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۹۵.
موضوع	ایالات متحده—روابط خارجی—خاور دور.
موضوع	United States—Foreign relations—East Asia
موضوع	خاور دور—روابط خارجی—ایالات متحده
موضوع	East Asia—Foreign relations—United States
موضوع	ایالات متحده—سیاست و حکومت—قرن ۲۱ م.
موضوع	United States—Politics and government—21 st century
شناسه افزوده	جوزانی کهن، شایان، ۱۳۷۱.
شناسه افزوده	جوزانی کهن، شاهین، ۱۳۶۹.
شناسه افزوده	انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران
رده‌بندی کنگره	۳/۸
رده‌بندی دیویی	۳۷۲.۰۹۵
شماره کتابشناسی ملی	۷۶۶۷۱۱



انتشارات سرو اندیشه



انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران

تحول سیاست خارجی آمریکا در آسیای شرقی در قرن بیست و یکم
 مؤلفین: دکتر محمدرضا دهشیری - شایان جوزانی کهن - شاهین جوزانی کهن
 ناشر: انتشارات سرو اندیشه

صفحه‌آرایی: کوروش سلطانزاده

چاپ اول: ۱۳۹۸ ، شمارگان: ۱۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۸۴۸۱-۷-۱ قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

نشانی: نارمک، مدائن جنوبی، کوچه صفایی پلاک ۸۰

تلفن: ۰۹۳۹۲۰۹۵۲۲۵ پست الکترونیک: k_soltanzadeh1962@yahoo.com

این کتاب با همکاری انجمن علمی جامعه‌شناسی سیاسی ایران به انجام رسیده است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۰	پیشگفتار
۱۷	فصل اول: اهمیت منطقه آسیای شرقی در سیاست خارجی آمریکا
۱۸	مقدمه
۲۵	۱-۱- گفتار اول: اهمیت منطقه آسیای شرقی و شبه جزیره کره در مناسبات بین المللی
۲۹	۱-۲- گفتار دوم: جایگاه چین در منطقه آسیای شرقی
۳۳	۱-۱-۱- محوریت چین در همکاری‌های اقتصادی در منطقه آسیای شرقی
۳۴	۱-۲-۱- همکاری چین با نهادهای منطقه‌ای آسیای شرقی
۳۵	۱-۲-۲- همکاری چین با کشورهای جنوب شرقی آسیا
۳۶	۱-۳-۱- گفتار سوم: ساختار و فرایندهای جدید در منطقه آسیای شرقی
۳۷	۱-۳-۱-۱- ساختار و فرایندهای جدید: سازمان همکاری‌های شانگهای
۳۸	۱-۳-۲-۱- فرایندهای جدید: منطقه‌گرای نیمه باز
۳۹	۱-۴-۱- گفتار چهارم: اختلافات آمریکا و چین در منطقه آسیای شرقی
۴۰	۱-۴-۱-۱- حوزه سیاسی
۴۱	۱-۴-۲- حوزه اقتصادی
۴۴	۱-۴-۳- حوزه امنیتی-نظامی
۴۴	۱-۴-۳-۱- نوسازی و افزایش بودجه نظامی چین
۴۶	۱-۴-۳-۲- اختلافات سرزمینی در دریای جنوبی چین
۴۷	۱-۴-۳-۳- اهمیت دریای جنوبی چین
۴۹	۱-۴-۳-۴- ادعاهای سرزمینی در دریای جنوبی چین
۵۴	۱-۴-۳-۵- ساخت جزایر مصنوعی در دریای جنوبی چین
۵۹	۱-۴-۳-۶- رویکرد آمریکا در قبال تایوان
۶۱	۱-۵- گفتار پنجم: رویکرد آمریکا در قبال سیاست هسته‌ای کره شمالی در شبه جزیره کره
۶۲	۱-۶- جمع بندی
۶۶	پی نوشت‌ها
	فصل دوم: سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای شرقی در دوران جورج دبلیو.
۷۳	بوش
۷۳	مقدمه

۲-۱- گفتار اول: علل تحول در سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر.....	۷۸
۲-۲- گفتار دوم: دکترین سیاست خارجی بوش.....	۸۰
۲-۲-۱- حمله پیشدستانه.....	۸۰
۲-۲-۲- یک جانبه گرایی.....	۸۱
۲-۲-۳- اشاعه لیبرال دموکراسی آمریکایی.....	۸۱
۲-۲-۴- جنگ با تروریسم القاعده.....	۸۱
۲-۳- گفتار سوم: سیاست خارجی تهاجمی جرج بوش.....	۸۳
۲-۴- گفتار چهارم: سیاست امنیتی بوش در منطقه آسیای شرقی.....	۸۸
۲-۴-۱- کاهش حضور نظامی آمریکا در منطقه آسیای شرقی.....	۹۲
۲-۴-۲- تحول سیاست امنیتی بوش در منطقه آسیای شرقی.....	۹۴
۲-۴-۳- نگاه بوش به چین: سازوکاری برای حل بحران شبه جزیره کره.....	۹۷
۲-۵- گفتار پنجم: سیاست اقتصادی بوش در منطقه آسیای شرقی.....	۱۰۶
۲-۶- گفتار ششم: اهداف سیاست خارجی بوش در منطقه آسیای شرقی.....	۱۰۸
۲-۷- جمع بندی.....	۱۱۲
پی نوشت ها.....	۱۱۶
فصل سوم: سیاست خارجی آمریکا در منطقه آسیای شرقی در دوران باراک اوباما	۱۲۱
مقدمه.....	۱۲۲
۳-۱- گفتار اول: نگاه اوباما به نظام بین الملل.....	۱۲۴
۳-۱-۱- کاهش هزینه های بین المللی آمریکا و تجدید نظر در نظام متحدان.....	۱۲۷
۳-۱-۲- کاهش و کنترل سالانه بودجه ایالات متحد.....	۱۳۱
۳-۲- گفتار دوم: سیاست های اوباما برای بازتعریف جایگاه آمریکا در شرق آسیا.....	۱۳۴
۳-۲-۱- سیاست اطمینان دهی مجدد راهبردی.....	۱۳۴
۳-۲-۲- سیاست موازنه مجدد.....	۱۳۵
۳-۲-۳-۱- ابعاد سیاسی موازنه مجدد.....	۱۳۹
۳-۲-۳-۲- همکاری بیشتر با متحدان و شرکای منطقه ای آسیای شرقی.....	۱۴۰
۳-۲-۳-۳- افزایش گفتگوها با چین.....	۱۴۳
۳-۲-۳-۴- تعمیق تعاملات ایالات متحده با نهادهای منطقه ای آسیای شرقی.....	۱۴۴
۳-۲-۳-۵- سیاست همکاری های سه جانبه در منطقه آسیای شرقی.....	۱۴۷
۳-۲-۳-۶-۱-۲-۲-۲-۲- ابعاد اقتصادی موازنه مجدد.....	۱۵۰
۳-۲-۳-۶-۱-۲-۲-۲-۲-۲- شراکت فراپاسفیک.....	۱۵۱

۱۵۶	۲-۲-۲-۲-۲-۲- افزایش مناسبات اقتصادی ایالات متحده با منطقه آسیا-اقیانوسیه
۱۵۷	۳-۲-۲-۲-۲-۲- ابعاد امنیتی-نظامی موازنه مجدد
۱۵۹	۳-۲-۲-۲-۲-۱- حمایت و تجهیز متحدان و شرکا در منطقه آسیای شرقی
۱۶۰	۳-۲-۲-۲-۲-۱- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و ژاپن
۱۶۲	۳-۲-۲-۲-۲-۱- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و کره جنوبی
۱۶۳	۳-۲-۲-۲-۲-۱- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و استرالیا
۱۶۵	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۴- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و فیلیپین
۱۶۵	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۵- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و تایلند
۱۶۶	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۶- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و ویتنام
۱۶۷	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۷- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و مالزی
۱۶۸	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۸- همکاری‌های منطقه‌ای آمریکا و سنگاپور
۱۷۱	۳-۲-۲-۲-۲-۱-۲- نفوذ و حضور نظامی ایالات متحده در منطقه آسیای شرقی
۱۷۳	۳-۲-۲-۲-۲-۳- افزایش فروش ترلیحات امریکایی به متحدان منطقه‌ای در آسیای شرقی
۱۷۴	۳-۲-۲-۲-۲-۴- تیرد دریای هوا در آمریکا در قبال چین
۱۷۶	۳-۲-۲-۲-۲-۵- عملیات آزادسازی آمریکا در قبال چین
	۳-۲-۲-۲-۲-۶- استفاده آمریکا از نیروی دریایی گرفته برای مقابله با راهبرد ضد دسترسی
۱۷۸	چین
۱۸۰	۳-۳- جمع بندی
۱۸۲	پی نوشت ها
۱۹۳	فصل چهارم: سیاست خارجی آمریکا در شرق آسیا در دوران دونالد جی. ترامپ
۱۹۴	مقدمه
۱۹۷	۴-۱- گفتار اول: سیاست خارجی ترامپ
۲۰۲	۴-۱-۱- اصول، اهداف و منطق سیاست خارجی ترامپ
۲۰۶	۴-۱-۲- دکترین امنیت ملی دونالد ترامپ
۲۰۹	۴-۱-۳- سیاست خارجی دونالد ترامپ و تضعیف مکانیزم امنیت دسته جمعی
۲۰۹	۴-۱-۴- راهبرد سیاست خارجی ترامپ در عمل
۲۱۰	۴-۱-۴-۱- راهبرد "نخست آمریکا"
۲۱۲	۴-۱-۴-۱-۱- حوزه سیاسی سیاست خارجی ترامپ
۲۱۳	۴-۱-۴-۱-۲- حوزه اقتصادی سیاست خارجی ترامپ
۲۱۵	۴-۱-۴-۱-۳- راهبرد احیای مجدد آمریکا

۲-۴	گفتار دوم: سیاست خارجی ترامپ در قبال آسیای شرقی	۲۱۹
۲-۴-۱	سیاست‌های امنیتی- نظامی ترامپ در آسیای شرقی	۲۳۱
۲-۴-۱-۱	سیاست ایندوپاسفیک ترامپ و همکاری آمریکا با هند برای ایجاد موازنه با چین	۲۳۲
۲-۴-۱-۲	سیاست خارجی ترامپ در قبال بحران هسته‌ای در شبه جزیره کره	۲۳۳
۲-۴-۲	سیاست‌های اقتصادی ترامپ در آسیای شرقی	۲۳۶
۲-۴-۳	گفتار سوم: سناریوهای جنگ تجاری ترامپ در آسیای شرقی	۲۴۳
۲-۴-۴	جمع بندی	۲۵۵
	پی‌نوشت‌ها	۲۶۶
	نمونه نگارش	۲۷۵
	فهرست منابع و مآخذ	۲۹۵

فهرست جدول‌ها

عنوان	صفحه
جدول ۱-۱: کشورهای دارای بالاترین هزینه های نظامی در ۲۰۱۶	۴۶
جدول ۲-۱: مقایسه تجارت ایالات متحده چین با آسه‌آن، ۲۰۰۵	۹۲
جدول ۴-۱: تجارت آمریکا با چین: ۱۹۸۰-۲۰۰۷ (بیلیار دلار)	۲۳۹
جدول ۴-۲: برآورد تغییرات در متغیرهای منتخب اقتصاد کلان: آمریکا در نتیجه جنگ تجاری کامل و ناکام مانده آمریکا در قبال چین ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۶	۲۴۷
جدول ۴-۳: پیشبینی تأثیرات مخرب جنگ تجاری تمام عیار آمریکا در قبال چین بر بخشهای اقتصاد آمریکا	۲۴۹

پیشگفتار

در بین رهبران آمریکایی در قرن نوزدهم این اجماع وجود داشت که برای حضور تاثیرگذار در صحنه جهانی در وهله اول نیاز به تقویت بنیان‌های اقتصادی است. قدرت اقتصادی به تبع خود امکان و فرصت بین‌المللی‌گرایی را در صحنه سیاست خارجی فراهم می‌آورد. آمریکائیان این باور را داشتند که تنها در صورتی می‌توان به یک بازیگر تاثیرگذار در عرصه بین‌الملل تبدیل شد که از بنیه اقتصادی در داخل و دسترسی به بازارهای جهانی برخوردار بود. از این رو، بخش اعظم سرمایه‌گذاری در قرن نوزدهم به بخش‌های غنی‌نمایی تخصیص داده شد و آمریکا در عرصه بین‌الملل یا فراقاره تا سال ۱۸۹۸ از مداخله‌های خارجی به شکل گسترده خودداری کرد و تمامی توجه و سرمایه را معطوف به دستیابی به یک اقتصاد رقابتی ساخت. به دلیل دستیابی به بنیه اقتصادی بود که آمریکا از این قایم‌ماندگار شد که با حضور خود در ۱۹۱۷ در جنگ اول جهانی بتواند حضوری تاثیرگذار را داشته باشد.^۱

حضور آمریکا در جنگ جهانی اول سالی از آغاز حضور این کشور در مناسبات بین‌الملل بود، با این حال مخالفت کنگره با عضویت آمریکا در جامعه ملل نشان از اجتناب از حضور فعال در عرصه‌های بین‌المللی داشت. اما چند دهه بعد و با شروع جنگ جهانی دوم این بار ایالات متحده که به لحاظ اقتصادی ترسیمی یافته بود، وارد جنگ جهانی دوم شد. جهان که قرن‌ها شاهد حضور بازیگران اصلی یعنی بریتانیا، فرانسه، روسیه تزاری و پس از آن اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی^۱ در سال‌های بین دو جنگ جهانی بزرگ آلمان نازی و ژاپن بود، اکنون با بازیگری جدید و مستقر بین دو اقیانوس آرام و اطلس^۲ یعنی ایالات متحده آمریکا رو به رو می‌شد.

رک: ۱. حسین دهشیار، "سیاست خارجی آمریکا، واقع‌گرایی لیبرال"، تهران، نشر خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۰۷.

^۱ Union of Soviet Socialist Republics (U.S.S.R.)

^۲ Pacific and Atlantic Ocean

همواره جنگ‌ها تغییر دهنده نظم موجود بوده اند، نظمی که در برگیرنده بازیگران با سطوح متفاوت توانایی، ساختارهای شکل‌دهنده و متاثر از نظم و فرایندهای بین بازیگران است. پس از هر جنگی تعدادی از بازیگران زو به زوال می‌روند و بازیگران جدیدی شروع به برآمدن می‌کنند. جنگ جهانی دوم هم این فرصت را برای ایالات متحده فراهم کرد تا خود را به عنوان بازیگری جدید در نظام بین‌الملل مطرح نماید. هر بازیگری دارای منافع، تهدیدات و چالش‌هایی در راستای تحقق اهداف خود است. آمریکا که نمی‌خواست نقش آفرینی جهانی آن در همان آغاز برآمدن در جنگ با ژاپنی‌ها به پایان برسد به هر قیمتی، حتی با بهای از بین بردن جان صدها هزار ژاپنی و با استفاده از سلاح اتمی به تثبیت حضور خود در عرصه بین‌الملل پرداخت.

در پایان جنگ جهانی دوم، اروپا و ژاپن به طور کلی ویران شده بودند. سرزمین ایالات متحده که به دلیل رولتیک خاص از صحنه نبرد دور مانده و پیشرفت اقتصادی را پس از رکود بزرگ اواخر دهه ۱۹۳۰ می‌دید، تجربه کرده بود، اکنون از توان اثرگذاری قابل توجهی در عرصه بین‌الملل برخوردار شد. ما به زودی اتحاد شوروی که سرزمین‌های زیادی از اروپا را تا برلین تحت حاکمیت خود در ورده بود و کمونیسم^۱ را با بنیان‌هایی نظیر: مالکیت اشتراکی، اقتصاد بسته و مبارزه با سرمایه‌داری سرلوحه کار خود قرار داده بود، اولین تهدید فراروی ایالات متحده با مبانی سرمایه‌داری، مالکیت خصوصی و عمومی و دموکراسی لیبرال به نظر می‌رسید. گسترش کمونیسم بعدی به عنوان تهدیدی اساسی توسط هری ترومن^۲ قلمداد شد. کمونیسم اکنون با آنها ب کمونیستی در

^۱ Communism

۱. حسین دهشیر، "سیاست خارجی آمریکا، واقع‌گرایی لیبرال"، تهران، نشر خط سوم، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۹۸.

۲. همان.

^۲ Harry Truman

چین توسط مائو زدونگ^۱ به چین نیز رسیده بود. صعود مائو زدونگ به قدرت در ۱۹۴۹ در چین به یک باره این کشور را در زمره رقبای تاثیرگذار آمریکا قرار داد. حرکت شوروی به سوی همزیستی مسالمت‌آمیز با آمریکا تحت رهبری خروشچف، انزوآگرایی چین را در صحنه جهانی رقم زد. رهبران چین به دنبال دستیابی به بمب اتم در ۱۹۶۴ به تدریج متوجه شدند که تاثیرگذاری در عرصه بین‌الملل برخلاف گفته مائو بستگی به ظرفیت‌های نظامی ندارد بلکه در وهله نخست باید ظرفیت‌های اقتصادی مدرن و متحول را به وجود آورد.^{۱۲۱}

در زمانی که ژاپن به اعتبار در صحنه جهانی دست می‌یافت و کره جنوبی در حال تبدیل شدن به یک قطب جدید در قاره آسیا بود، دنگ شیائوپینگ سرانجام به ضرورت توسعه اقتصادی به عنوان معیار عملکرد چین در ارزیابی‌های داخلی و خارجی این کشور در دستور کار قرار داد و چین، رفاه ملی خود را دوباره بازتعریف کرد که تنها گزینه برای تامین منافع ملی چین و ارتقای کشور به جایگاهی هم سطح با بازیگران دیگر آسیایی بالاخص ژاپن تنها و تنها از مسیر دگرگونی اقتصادی و رشد اقتصادی حاصل می‌شود.^{۱۲۲} در منطقه آسیای شرقی ارتقاء چین به عنوان یک بازیگر مطرح جهانی به واسطه رشد سریع اقتصاد جهانی یکی از واقعیت انکارناپذیر دهه اخیر است.^{۱۲۳}

پس از فروپاشی شوروی، ایالات متحده اصلی‌ترین تهدید خارجی را از دست داد. کشورهایی نظیر چین، کره شمالی، ویتنام و کوبا تلاش نمودند تا با بازی جدیدی برای آمریکا تبدیل شوند. پس از فروپاشی شوروی اساساً باقی ماندن ساختارهای شکل گرفته در دوران جنگ سرد مورد سوال قرار گرفت. زیرا ایالات متحده دیگر تهدیدی به نام شوروی نداشت. اهمیت چگونگی حفظ ساختارهای شکل گرفته در دوران سرد نظیر ناتو و تغییر اهداف و کاربری آن‌ها یکی از اصلی‌ترین چالش‌های پیشروی آمریکا بود. تروریسم القاعده این فرصت را برای آمریکا فراهم کرد که تهدیدی جدید برای حفظ ناتو

^۱ Mao Zedong

و پیمان‌های امنیتی خود تعریف کند.

سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در شرق آسیا که پس از پایان جنگ جهانی دوم با ویژگی‌هایی نظیر حضور پایدار نظامی آمریکا، گسترش همکاری‌های اقتصادی برای جلوگیری از گسترش کمونیست و نفوذ سیاسی آمریکا همراه بود، با فروپاشی شوروی دستخوش تحولات شد. به گونه‌ای که روسای جمهور آمریکا هر یک با اتخاذ رویکردی متفاوت در سیاست خارجی آمریکا موجب تغییر و تحول در مناسبات منطقه‌ای شده‌اند. آمریکا که پس از جنگ سرد خود را در نظام بین‌الملل بی‌رقیب تصور می‌کرد و در دوران ریاست جمهوری جورج دبلیو بوش^۱ به جنگ‌های پرهزینه در افغانستان و عراق اقدام کرد، در سال‌های پایانی ریاست جمهوری بوش با مشکلاتی نظیر رکود اقتصادی در کشور و فرسایش سن جنگ علیه تروریسم رو به رو شد. بحران اقتصادی از یک سو و هزینه‌های جنگ از سوی دیگر موجب شد تا باراک اچ. اوباما^۲ در اولویت‌بندی امنیت ملی^۳ ایالات متحده بازنگری کند. درحالی‌که در دوران ریاست جمهوری بوش، تروریسم القاعده تهدید اصلی علیه امنیت ملی ایالات متحده قلمداد می‌شد، اوباما تنها آن دسته از تهدیدها که سرزمین اصلی ایالات متحده را هدف گرفته‌اند و کشورهایی را که از توانایی به چالش کشیدن سیاست‌های این کشور برخوردار بودند، به عنوان اولویت‌های امنیت ملی در دستور کار قرار داد. اوباما منطقه آسیای شرقی را در اولویت اول دوره اول ریاست جمهوری خود قرار داد. منطقه‌ای با برخورداری از سریع‌ترین رشد اقتصادی و موتور محرکه اقتصاد جهانی که کشور چین را به عنوان قدرتمندترین رقیب ایالات متحده در نظام بین‌الملل در خود جای داده است. با به قدرت رسیدن دونالد ترامپ^۴، کره شمالی به عنوان اولویت‌دارترین تهدید امنیت ملی آمریکا مورد شناسایی قرار گرفت و بر

^۱ George W. Bush

^۲ Barack H. Obama

^۳ National Security

^۴ Donald Trump

حل اختلافات تجاری با چین به عنوان راهبرد اقتصادی سیاست خارجی آمریکا تمرکز کرد.

با شروع هزاره جدید و آغاز نبرد با تروریسم القاعده توسط جرج دبلیو. بوش و هزینه‌های برآمده از جنگ‌های خاورمیانه‌ای به آمریکا نشان داد که دیگر سازو کار متحدین در چارچوب ناتو نیز می‌تواند ناکارآمد باشد. ایالات متحده در قبال همکاری با هم پیمانان خود چندین مرحله متفاوت را پیش رو داشته است. دوره اول شکل دهی سیستم سازمان ملل و بنابرین برای ایجاد همکاری‌های راهبردی بین متحدان آمریکا در دوران ریاست جمهوری آیزنهاور^۱ شکل گرفت. در این دوره آمریکا با ارائه کمک‌های مالی و نظامی به متحدان غربی به توسعه کشورهای هم سو با سیاست‌های خود مبادرت ورزید. این دوره تا زمان فروپاشی شوروی تداوم یافت. پس از فروپاشی شوروی و همزمان با وقوع جنگ خلیج فارس آمریکا از کمک متحدان خود برای این جنگ بهره گرفت. این سازوکار برای جنگ با افغانستان و عراق نیز مورد استفاده جرج دبلیو. بوش قرار گرفت. اما هزینه‌های جنگ این بار فشار زیادی بر اقتصاد آمریکا تحمیل کرد.

در هزاره جدید دیگر تنها تعریف تهدیدات جدید برای آمریکا توسط سیاستمداران این کشور مورد بحث نیست بلکه چگونگی حفظ وضع موجود در نظام بین‌الملل و تداوم بازیگری آمریکا در آن به شکلی جدی پیگیری می‌شود. راهبردهای آن است که قرن جدید به طور قطع قرن آسایبی خواهد بود. چین شرایط و اوضاعی لازم را برای تبدیل شدن به بازیگری هم تراز با آمریکا دست کم در دو دهه آتی دارد. چین اکنون به شکل ملموس نظم بین‌الملل را به چالش نکشیده، اما روند توسعه و گسترش مولفه‌های قدرت چین به شکلی است که همه را به این نتیجه می‌رساند که چین به دنبال دستیابی به جایگاهی برتر در نظام بین‌الملل است. این اصلی‌ترین دلیل آمریکا در توجه به آسیای

¹ Eisenhower

شرقی در هزاره جدید است. جوزف نای^۱ در کتاب خود تحت عنوان "آیا قرن آمریکایی به پایان رسیده است؟" از چین با دارا بودن رشد اقتصادی سریع در تولید ناخالص داخلی و با داشتن وسعتی به اندازه تقریبی آمریکا و جمعیتی چهار برابر آن، داشتن بیش از ۲۵۰ کلاهک هسته‌ای و قابلیت‌های مدرن در فضای سایبری و فضای خارج از جو به عنوان رقیبی جدی برای آمریکا نام می‌برد. رقیبی که به هر قیمتی رقابت نمی‌کند بلکه به تدریج در حال ارتقاء مولفه‌های قدرت خود است تا با ابزارهای مناسب در عمل برنده رقابت باشد. این کتاب بر سیاست خارجی آمریکا در هزاره جدید و با تمرکز بر سیاست خارجی جورج دبلیو. بوش، باراک اوباما و دونالد ترامپ در منطقه آسیای شرقی متمرکز شده است. چگونگی تعامل هر یک از دولت‌های آمریکا در هزاره جدید در منطقه آسیای شرقی، سیاست‌ها، تفاوت آن‌ها برای حفظ و گسترش نفوذ آمریکا در آن و چگونگی واکنش بازیگران منطقه‌ای، این سیاست‌ها در این کتاب بررسی شده است.

¹ Joseph Nye.